بـــه نـــام خداوند جـــان و خرد کزین برتـــر اندیشـــه برنگذرد

آشنایی؛ کوششی برای ارج نهادن به مقام والای علمی و قضایی آقای حسن غفارپور مراغی

بازدید هر سالهٔ دانشجویان از دیوان عالی کشور سبب آشنایی با قاضی حسن غفارپور مراغی ریاست محترم شعبهٔ سوم دیوان عالی کشور شد؛ در این کار دوست و همراه همیشگی آقای دکتر یداله علیزاده، رئیس پیشین شعبهٔ دیوان و استاد مدعو دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی نقش اساســی داشتند. می‌شــود گفت این کار، به واقع بستری بود برای شناخت دانشگاه از دادگاه، به معنای کلی، که هر بار با اشتیاق فراوان برای آن برنامه‌ریزی می‌شد.

در این دیدارها قاضی برجســته، حســن غفارپور مراغی که خــود از دانش‌آموختگان دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران است (ورودی سال ۱۳۴۷)، همواره با روی خوش، وقت پر ارج خود را برای دانشــجویان می‌گذاشــت. او بیش از همه به سخنانشان گوش فرامی‌داد و دربارهٔ پرســش‌ها و دیدگاه‌هایشان ســکوت و تامل می‌کرد. بزرگی روان و بلنــدی نگاه و ژرفای دانش ایشــان در همان نخســتین دیدار و با کمتریــن گفتار، بر هر کس هویدا می‌شــد. بارها و بارها در بازدیدهای دانشــجویان، ما را همراهی نمود و از هیچ کوششی برای آسان‌تر شدن حضور آنان در دیوان عالی کشور کوتاهی نکرد.

از ســوی دیگر، این آشــنایی نشان داد که چه کسانی در شــعبهٔ سوم دیوان عالی کشور حضور داشتند و دارند؛ حضوری که نمایانگر جایگاه شعبهٔ سوم در دیوان عالی کشور بود. آری، همواره رای‌های شــعبهٔ سوم دیوان عالی کشــور در آیین دادرسی مدنی که در برخی

کُتب و نوشـــته‌ها نقل می‌شـــد برای نگارنده منبع مهم شناخت رویه قضایی بود و آشنایی با قضات این شـــعبه، از این نگاه که نشـــان می‌داد برای عدالت چه کوششـــی در گذر سال‌ها شده است، بسیار ارزشمند بود.

قاضی والا مقام حسن غفارپور مراغی سه دهه پیش یعنی به سال ۱۳۷۵ به دیوان عالی کشور منتقل شدند و از نیمهٔ دههٔ ۱۳۸۰ مسئولیت ریاست شعبهٔ سوم را بر دوش دارند و این خود به خوبی نشـــان می‌دهد که حضور ایشـــان چه تاثیری بر شهرت این شعبه در رای‌های درست و دقیق آیین دادرسی مدنی دارد.

در یکـــی از ایـــن دیدارهـــا، به پیروی از اســـتاد روانشـــاد ناصر کاتوزیان کـــه همواره می‌خواســـت و خود دســـتی در آتش داشت، به نمایندگی از دانشگاهیان، از ایشان خواستم تا برخی رای‌های خود را در اختیار دانشگاه بگذارند. به این منظور یکی از رای‌های شعبهٔ ســـوم را که از «سامانهٔ ملی رای» به دست آورده بودم، نقد و بررسی کرده و به عنوان نمونه خدمتشان عرضه نمودم. ایشان کار را مطالعه فرمودند و نکاتی را بیان کردند. پس از آن بود که با روی گشـــاده درخواســـت بالا را اجابت فرمودند و شماری رای بیشتر برای سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ و کمتر برای سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ تهیه نمودند و به نگارنده سپردند.

نخست، بنا داشتم رای‌ها را بررسی کنم و پیام اصلی آن‌ها را در کتابی که جُنگ رای است بیاورم اما، هنگامی که رای‌ها مطالعه شـــد و ارزش بالای آن‌ها نمایان گردید، اندیشهٔ «توجیه و نقد» رای‌ها به کمک و همراهی همکاران در دانشگاه به ذهن آمد؛ چرا که این کار از عهدهٔ گروهی متخصص و علاقمند بهتر برمی‌آمد و شایسته بود استادان دانشگاه شاهد این خدمات قضایی ارزشـــمند باشند و با نقد و بررســـی رای‌ها حقیقتِ آن را گواهی کرده و معرفی کنند. از این رو، هر رای با دقت مطالعه و برای هر یک موضوعی اصلی در نظر گرفته شـــد. ســـپس، رای‌ها در میان همکاران در گروه حقوق خصوصی و اسلامی، بر اساس تخصص و یا علاقه توزیع گردید تا کار بررســـی پیرامونش آغاز شـــود. همچنین تعدادی از آن‌ها به دانشـــجویان دکتری و دانش‌آموختگان این مقطع و برخی همکاران در دانشگاه‌های دیگر سپرده شد.

این کار که در تاریخ حقوقی و قضایی کشور بی‌سابقه بود، کُند و تُند، پیش رفت، هرچند هر بار به سبب بروز برخی تحولات به تاخیر افتاد. در این میانه، جنگ نیز کارها را به عقب انداخت. دل و دماغی نبود اما، ســـرانجام به عشـــق کشورمان ایران و نیز به پاسِ تلاش‌ها و کوشش‌های قاضی برجسته حسن غفارپور مراغی، کار بر زمین نماند و هر کس به گونه‌ای رایی از شعبهٔ سوم دیوان عالی کشور را در دستور کار نقد و بررسی قرار داد.

هرچند رای‌ها از شعبهٔ سوم دیوان عالی کشور، به ریاست قاضی حسن غفارپور مراغی صادر شده‌اند، باید گفت که مستشاران و اعضای معاون در این رای‌ها سهم بزرگی دارند و

جا دارد از ایشـــان یاد شـــود؛ کسانی که خود از بزرگان قضاوت در دیوان عالی کشور بودند و هســـتند مانند جنابان آقایان رسول شـــاملو، دکتر سام سوادکوهی، محمدرضا سلطانیان و وحید بوشـــهریان. برخی از ایشـــان اینک خود از روئسای شعب دیوان عالی کشور هستند مانند ریاست شعبهٔ سیزدهم که با آقای دکتر سوادکوهی است و ریاست شعبهٔ بیست و پنجم که با آقای رسول شاملو است.

رای‌ها پرشـــمار و گوناگون بودنـــد. در صدور هر یک، دقت بالایی شـــده بود. هر رای دارای پیامی بود و بر گره دشـــواری در حقوق دســـت نهاده بود. چنین به دیدگان می‌رسد که جناب آقای غفارپور مراغی در گزینش رای‌ها برای نقد و بررسی، نظارت نموده و کوشش کرده بود تا رای‌هایی بررســـی شـــوند کـــه دارای نکات حقوقی و قضایی شایســـتهٔ مطالعه هستند. هیچ رایی نبود که نتوان پیرامونش مطلب مهم علمی نگاشت. به هر روی و به ویژه با لطف و عنایت حضرت حق، از میان رای‌هایی که در اختیار همکاران و همراهان و برخی دانشـــجویان دکتری قرار گرفت، با همهٔ افت و خیزی که همواره در کارهای گروهی هست و با همهٔ گشادگی و تنگی اوقاتی که همیشه هست، مجموعهٔ حاضر تهیه شد. هدف این بود که از شـــرح و بسط طولانی رای‌ها خودداری شود و چیزی فراهم آید که همگان بتوانند از آن بهره ببرند؛ حقوق‌دان، پژوهشگر، قاضی، وکیل، دانشجو، استاد و حتی کسانی که دوست دارند دربارهٔ موضوعی حقوقی چیزی بدانند، از این گنجینه چیزی به دســـت آورند. از سی و هشـــت مقاله، حاصل این جنبش و پویش بود که در «مجلهٔ آیین دادرســـی مدنی تطبیقی» در شـــمارهٔ «ویژه نامه» منتشر شد تا بیشترین دسترســـی بدان برای همگان در جهانِ به هم پیوستهٔ امروز فراهم باشد.

بازخوانی مقالات را به دوازده دانشـــجوی دکتری خود در دانشـــگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس سپردم از این رو، بایسته است که از ایشان تشکر کنم.

این کوشـــش و تلاش، با امید این که بار دیگر فرصتی برای تکرار فراهم شـــود، به پاس چنـــد دهه خدمات قضایی، پیش‌کش می‌شـــود به وجود پُـــر ارج و مقام والای جناب آقای حسن غفارپور مراغی، ریاست محترم شعبهٔ سوم دیوان عالی کشور.

«بزرگـــش ندانـــد اهـــل خرد که نـــام بزرگان به زشـــتی برد»

حسن محسنی
۲۰ مهر ۱۴۰۵